

عوامل مؤثر در ارتقاء همگرایی اقوام ایرانی در عصر جهانی شدن

فرزانه دشتی^{*۱}

محمد رحیم عبوضی^۲

چکیده

تقویت همگرایی ملی، یکی از مقولات اساسی هر حکومتی است. امروزه جهانی شدن با جریان آزاد اطلاعات و گسترش روزافزون فن آوری‌ها، ارتباطات و تغییر در تعاملات از سطح خرد تا کلان، چالش‌ها و فرصت‌هایی را در مقابل جامعه جهانی ایجاد نموده است. در حوزه قومیت‌ها، همچون سایر حوزه‌ها، روند جهانی شدن می‌تواند تأثیرات متفاوتی بر جای بگذارد و در هر حال موجبات تغییر را فراهم نموده است و آن چه مهم به نظر می‌رسد، بازاندیشی در سیاست‌گذاری در قبال قومیت‌ها را الزامی ساخته است. در این پژوهش کاربردی، با بهره‌گیری از روش توصیفی- تحلیلی پس از انجام مطالعات نظری تلاش گردیده است عوامل مرتبط و مؤثر بر سطح ارتقا همگرایی اقوام در سه مؤلفه سیاسی- امنیتی، اقتصادی و فرهنگی- اجتماعی شناسایی و در ادامه با مشاوره با برخی افراد خبره و صاحب‌نظر مرتبط با موضوع و اخذ نظرات ایشان، پرسشنامه‌ای جهت اخذ نظرات جامعه آماری تنظیم گردید. جامعه آماری ۲۱۴ نفر بود. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران و خطای ۰/۱، ۶۶ نفر تعیین گردید. داده‌ها با آزمون‌های t تک نمونه و آزمون فریدمن و نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل شد. نتایج تحقیق نشان داد که تمامی مؤلفه‌ها بر همگرایی اقوام ایرانی مؤثرند. همچنین مؤلفه سیاسی و امنیتی بیشترین تأثیر را در همگرایی اقوام ایرانی دارد.

کلیدواژه‌ها: جهانی شدن، همگرایی، تنوع قومی، امنیت، ایران.

Email: farzanehdashti30@yahoo.com

۱- دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی (نویسنده مسئول)

Email: danesh.mr@yahoo.com

۲- استاد علوم سیاسی، گروه آینده پژوهی، دانشگاه شاهد

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۴/۱۶

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۱/۰۸

مقدمه

کشور ایران به‌عنوان کشوری که چند قومی است و با سابقه تمدنی بی‌نظیر، همواره در گستره فرهنگی خود با تعدد خرده فرهنگ‌های مختلف مواجه بوده است. تنوع، ویژگی اجتماع انسانی است. در میان اجتماعات امروزین بشر نمی‌توان اجتماعی را یافت که افراد آن از همه جهت با هم همانند باشند. امروزه نه امکان از میان بردن تنوع و یکدست‌سازی اجتماعات انسانی وجود دارد و نه چنین امری ضرورت دارد. بنابراین تنوع به‌عنوان امر ضروری و اجتناب‌ناپذیر اجتماعات انسانی در عصر کنونی مورد پذیرش است (قیصری، ۱۳۸۶). هویت ملی، وحدت ملی، همگرایی و واگرایی بین اقوام از موضوعات مهمی هستند که حکومت‌ها در کشورهای پلی‌اتنیک^۱ یا کثیرالاقوام با آن مواجه‌اند. موقعیت سیاسی کم‌نظیر ایران در این است که پاره فرهنگ‌های قومی آن، در حاشیه کشور قرار دارند و با اقوام متناظر خود در سیستم‌های پیرامونی مرزها، مجاورت دارند. به‌ویژه آنکه بین برخی از آن اقوام با کشورهای متبوعشان چالش‌هایی وجود دارد. این موضوع بالاخص از حیث تحولات اخیر در گفت‌وگوهای بین‌المللی مبنی بر انتقال از تأکید بر حق حاکمیت دولت‌ها در دوره پس از جنگ جهانی و توجه به حقوق بشر و از جمله حقوق قومیت‌ها در سال‌های اخیر برای ایران به لحاظ راهبرد امنیت ملی از اهمیت بسزایی برخوردار است. موقعیت جغرافیایی اقوام، معادله امنیت ملی را پیچیده‌تر کرده است. اقوام مختلف و اقلیت‌های مذهبی در حساس‌ترین حوزه‌های راهبردی کشور و جداره‌های مرزی اسکان یافته‌اند که آن در ورای مرزها و بیرون از حوزه نفوذ و اثرگذاری حاکمیت ملی قرار دارد (احمدی و الوند، ۱۳۹۱: ۱۶۰). لذا در شرایط کنونی جهان، با توجه به رشد فرایندهای جهانی‌شدن و امکانات ارتباطی گسترده میان مردم که فارغ از مرزهای سیاسی صورت می‌گیرد و نیز با توجه به رشد آگاهی‌های قومی و ناسیونالیسم‌های قومی در سراسر جهان، می‌توان گفت طرح قدیمی ملت‌سازی که ادغام همه گروه‌های قومی را در یک ملت یکپارچه را در برمی‌گرفت دچار چالش می‌شود. در ایران نیز ناکارآمدی این طرح در اشکال گوناگونی طی چندین نسل آشکار شده است (سیدامامی، ۱۳۸۵: ۱۴۴).

اهمیت تحقیق بدان سبب است که همواره انسجام، همبستگی ملی و تداوم ثبات در جوامع از مهم‌ترین دغدغه‌های متفکران علوم اجتماعی و جامعه‌شناسان بوده و هست. در کشوری نظیر ایران که در شمار کشورهای کثیرالقوم محسوب می‌شود. این مسأله اهمیت دو چندان می‌یابد. لذا شناخت نسبت به بسترها و مؤلفه‌های مؤثر بر همگرایی در ایران دارای اهمیت علمی، ملی و کاربردی شده و مقوم انسجام و وحدت ملی و گامی اساسی و نهادینه در راه موفقیت اهداف نظام اجتماعی و سیاسی است. نگرش و شناخت علمی به این مؤلفه‌ها می‌تواند مدیریت سیاسی را آسان‌تر نموده و به‌عبارتی سیاست‌گذاری مدبرانه و کارآمد نظام را نتیجه بخش‌تر نماید.

این پژوهش به این موضوع خواهد پرداخت که چگونه می‌توان بهره‌برداری حداکثری از فرصت تنوع قومی و تکثر فرهنگی در ایران نمود. از آن‌جا که دولت‌ها نقش مؤثری در تحدید منازعات قومی دارند، به نظر می‌رسد تنها با مدیریت سیاسی کارآمد و سیاست‌گذاری مدبرانه است که می‌توان در جهت احقاق حقوق و برآوردن مطالبات اقوام ایرانی عمل نمود. نگاهی فرصت‌محور به تکثر فرهنگی جامعه ایرانی و بکارگیری الگویی ترکیبی و تلفیقی

متضمن همگرایی و تقویت امنیت پایدار در کشور خواهد بود. بنابراین، مهم‌ترین هدف از این پژوهش شناسایی و اولویت‌بندی شاخص‌ها و عوامل مؤثر در سطح ارتقا همگرایی در شرایط کنونی است که می‌تواند در جهت دستیابی به نگرش علمی به مسئله فوق به سبب حفظ و تأمین امنیت ملی کشور ما بسیار راهگشا باشد. به همین جهت شناسایی و شناخت علمی متغیرهای ارتقاء همگرایی قومی به سبب بکارگیری سیاست قومی صحیح در این راستا از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. تلاش پژوهش حاضر در جهت پاسخ به این سؤال است که «در عصر جهانی شدن عوامل مؤثر در ارتقا همگرایی اقوام ایرانی کدامند؟».

پیشینه پژوهش

الف) پژوهش‌های داخلی

یکی از مهم‌ترین پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه قومیت، همگرایی و امنیت پایدار، پژوهشی است که حمید احمدی با عنوان: «اقوام ایرانی و امنیت پایدار» با هدف بررسی نقش اقوام ایرانی در امنیت پایدار انجام داده است (احمدی، ۱۳۸۸: ۱-۲۰). این پژوهش به روش کتابخانه‌ای و اسنادی صورت پذیرفته است. محقق در این پژوهش به هر دو روی سکه قومیت، یعنی توجه به مسأله قومیت و اقوام ایرانی، هم به‌عنوان فرصت و هم به‌عنوان چالش در تأمین امنیت پایدار، عنایت داشته است. احمدی سعی نموده است که راهکارهایی را نیز برای تقویت نقش مثبت اقوام ایرانی در تأمین امنیت ملی و شناخت علل و عوامل تبدیل شدن مسأله اقوام به چالش عرضه کند. نهایتاً پژوهشگر به این نتیجه رسیده است که حضور اقوام ایرانی به‌عنوان فرصت و نه چالش در صورتی عملی است که به هر دو صورت سخت‌افزاری و نرم‌افزاری امنیت، یعنی امنیت پایدار، توجه شود.

پژوهش دیگر، مقاله حمیدرضا اخوان مفرد و همکاران با عنوان: «بررسی راه‌های همگرایی قومیتی با تأکید بر اقوام ترک و کرد در شهرستان ماکو» است (اخوان مفرد و دیگران، ۱۳۸۷: ۴۱۵-۳۹۹). روش تحقیق این پژوهش از نوع توصیفی زمینه‌یاب (پیمایشی) بوده و با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته و با طیف لیکرت داده‌های لازم را از تعداد ۳۸۲ نفر به‌روش تصادفی طبقه‌ای گردآوری کرده است. نتایج تحلیل داده‌های این تحقیق نشان داد که پنج متغیر: ۱. تأکید بر اشتراکات دینی ۲. تأکید بر موارث فرهنگی و پیشینه تاریخی مشترک ۳. توجه به عمران، آبادی و توسعه مناطق قوم‌نشین و کاهش محرومیت‌ها در آن ۴. توسعه اجتماعی ۵. ارتقای سطح ارتباطات اجتماعی، در ارتقاء سطح همگرایی اقوام تأثیر مثبت داشته است.

رسول افضلی و برزین ضرغامی پژوهشی تحت عنوان «تحلیل بنیادهای پایدار همگرایی و متغیرهای اعتباری تهدید قومی در ایران» و با روش توصیفی-تحلیلی و کتابخانه‌ای انجام داده‌اند (افضلی و ضرغامی، ۱۳۸۸: ۹۰-۷۷)، مشخص می‌گردد که با وجود فرض عموم، تعدد قومیتی در ایران، بالقوه منشاء تهدید و تزلزل انسجام ملی و همگرایی ملی نیست؛ زیرا تعدد قومیتی در ایران نه تنها تضعیف‌کننده امنیت ملی نبوده بلکه با تکیه بر عناصر پایدار همگرایی قومی، قوام‌بخش و تداوم‌دهنده هویت ملی ایرانی است.

همچنین در پژوهش‌های دیگری به صورت پراکنده به عوامل و متغیرهای مؤثر بر همگرایی و واگرایی اقوام اشاره شده است (امراهزاده، ۱۳۸۸: ۶۱-۴۶؛ جلیوند، ۱۳۸۸: ۲۹۷-۲۷۵). بر طبق نتایج این تحقیقات متغیرهای مؤثر عبارتند از: احوال شخصی از جمله سن و جنس و تحصیلات (سرمایه فرهنگی) و نوع اشتغال و نیز عواملی مثل تأثیر دوپهلوی نخبگان سیاسی، نقش و تأثیر رسانه، احساس وجود تبعیض، محرومیت و تحقیر و همچنین عوامل برون‌مرزی مانند تحولات قومی کشورهای همجوار و نیز عوامل اجتماعی از قبیل زوال تدریجی ساختار سنتی و قبیله‌ای.

ب) پژوهش‌های خارجی

در تحقیقی گور^۱ سعی نموده است به مدلی عمومی از تضاد قومی دست یابد و در آن به سه دسته متغیر «اوضاع و ویژگی‌های گروهی»، «ویژگی‌های دولت» و «شرایط بین‌المللی» توجه نموده است، ۲۲۷ گروه را در ۹۰ کشور از سال ۱۹۴۵ تا ۱۹۸۰ بررسی شده است. وی در این تحقیق به دو بُعد از اعتراض و شورش از تضاد قومی پرداخته و از آن با عنوان عمل سیاسی یاد کرده است. نتایج زیر حاصل کار گور (۱۹۹۳) می‌باشد: هویت فرهنگی، نابرابری و از دست دادن اقتداری که گروهی در گذشته داشته است منجر به افزایش مظالم می‌گردد. دموکراسی، قدرت دولت و تغییرات نهادی در نوع تضاد (اعتراض یا شورش) تأثیرگذار است به طوری که دموکراسی و قدرت دولت با اعتراض رابطه مثبت و با شورش رابطه‌ای منفی دارد، ولی تغییرات نهادی در دولت یا حکومت با هر دو بُعد تضاد، اعتراض و شورش رابطه مثبتی دارد؛ و بسیج گروهی، مظالم و انتشار بین‌المللی تضاد منجر به افزایش اعتراض و شورش می‌شود (خرازی و همکاران، ۱۳۹۵: ۷۵).

ورگانی^۲ (۲۰۱۱) در پژوهشی با عنوان «انسجام اجتماعی در اروپا» به بررسی رابطه‌ی انسجام اجتماعی و نابرابری‌ها و بی‌عدالتی اجتماعی در اروپا پرداخته است. از نظر وی نابرابری به‌طور کلی بر انسجام اجتماعی تأثیرگذار بوده و همچنین این رابطه تحت تأثیر جنبه‌های دیگری از نابرابری‌های اجتماعی از قبیل موقعیت افراد در نظام قشربندی و سطح تحصیلات آنها بوده است (فرهمند و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۰۳).

دیکس^۳ و همکاران (۲۰۱۱) به برآورد و مقایسه‌ی انسجام اجتماعی در ۴۷ کشور اروپایی پرداختند. آنها انسجام اجتماعی را به لحاظ سیاسی، فرهنگی و اجتماعی بررسی و برای محاسبه‌ی کمی آن، از ترکیب شاخص‌های اعتماد به نهادهای سیاسی - دولتی، درجه‌ی وحدت، شاخص مشارکت اجتماعی و فرهنگی استفاده کرده‌اند. نتایج پژوهش نشان داده که کشورهای اروپای شمالی بیشترین و ترکیه و شوروی سابق کمترین میزان انسجام اجتماعی را دارند (همان).

اما در پژوهش حاضر کوشش شده است برخی از کاستی‌های موجود در تحلیل‌های پیشین برطرف گردد.

1. Gurre
2. Vergolini
3. Dicks

تعاریف مفاهیم

۱. **جهانی شدن:** جهانی شدن معانی زیاد و متفاوتی دارد، مانند جهانی شدن به‌عنوان یک ایده، به‌عنوان یک الگو و پروژه، فرایند تاریخی و انسانی، به‌عنوان آینده‌ی احتمالی، موقعیت و در نهایت به‌عنوان یک روند (نهایوندیان، ۱۳۸۶: ۴۳). لذا در مورد جهانی شدن یک معنی خاص وجود ندارد و هر فردی این کلمه را از دیدگاه خود تعریف می‌کند (سلیمی، ۱۳۸۴: ۲۵). مالکوم واترز جهانی شدن را فرایندی اجتماعی می‌داند که در آن قید و بندهای جغرافیایی که بر روابط اجتماعی و فرهنگی سایه افکنده است از بین می‌رود و مردم به‌طور فزاینده از مزایای کاهش این قید و بندها آگاه می‌شوند.... فرایندی متأخر است که با فرآیندهای اجتماعی دیگر از جمله مدرنیته شدن، شالوده‌شکنی و سرمایه‌داری همراه است (واترز، ۱۳۷۳؛ به نقل از شکوری، ۱۳۸۹: ۶۵). به نظر یان آرت شولت جهانی شدن روندی است که در آن روابط اجتماعی دارای ماهیت بدون مرز و فاصله می‌شوند. بنابراین، همه‌ی انسان‌ها در یک جهان در حال تعامل هستند (نهایوندیان، ۱۳۸۶: ۱۹-۱۸). به‌طور کلی، جهانی شدن یک فرآیند است، به این معنا که دربرگیرنده یک روایت ثابت و تغییرناپذیر نیست بلکه در درون آن روایت‌ها و پروژه‌های متفاوتی در حال شکل‌گیری است. از این جهت جهانی شدن هر چند گریزناپذیر است اما یک نقطه شروع و یک پایان حتمی و از پیش تعیین‌شده ندارد (لطیفی و داودوندی، ۱۳۸۹: ۱۸۱).

۲. **قوم/ قومیت:** مفهوم قومیت اشاره به ویژگی‌های فرهنگی‌ای دارد که ممکن است از یک نسل، از طریق فرآیند جامعه‌پذیری، به نسل بعد منتقل شده باشد. این ویژگی‌ها ممکن است زبان، مذهب، منشأ ملی، عادات غذایی، مفهوم مشترکی از میراث تاریخی و سایر ویژگی‌های بارز فرهنگی را شامل می‌شود (رابرتسون، ۱۳۷۴: ۲۴۵). لذا، از نظر جامعه‌شناسی، یک گروه قومی عبارت از مردمی است با ویژگی‌های خاص دینی، نژادی، جغرافیایی و با عادات و رسوم مخصوص که در داخل یک مجموعه اجتماعی- فرهنگی گسترده جای یافته است (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۲۳۳). وبر^۱ احساس مشترک قومی را مبتنی بر چهار عامل می‌داند: یک خاطرات سیاسی مشترک؛ دو پیوند آیینی که در زمان حیات گروه قومی به فعلیت در آمده است؛ سه پیوندهای خویشاوندی قومی و نیرومند؛ چهار مناسبات دیگری که به نوعی وفاق و وجوه مشترک بی‌انجامد (وبر، ۱۹۹۶: ۳۵).

۳. **هویت قومی:** یکی از انواع هویت جمعی است که به ویژگی‌های فرهنگی اطلاق می‌شود که یک قوم را از اقوام دیگر متمایز می‌کند و بین اعضای یک قوم یک احساس تعلق به همدیگر ایجاد کرده و آنها را منسجم می‌کند. هویت قومی در سطحی پایین‌تر از هویت ملی یا جامعه‌ای قرار دارد (احمدلو، ۱۳۸۸: ۱۲۳).

1. Weber

۴. همگرایی ملی: انسجام ملی عبارت است از: «احساس تعلق خاطر مشترک و احساس تعهد مشترک افراد به اجتماع و آن مای بزرگی که به افراد هویت جمعی می‌دهد و ناظر بر انسجام درونی یک جامعه است» (غرایاق زندی، ۱۳۸۲: ۱۷۱).

چارچوب نظری

پژوهش حاضر با رویکردی آینده پژوهانه سعی در ارائه راهکارهایی برای بهره‌برداری مطلوب‌تر از فرصت تنوع قومی به سبب ارتقا همگرایی ملی در ایران می‌باشد. این موضوع ناظر بر شناسایی عوامل اصلی و مؤثر در مسأله واگرایی یا تسریع روند همگرا و هم‌افزا اقوام ایرانی است. در رابطه با گرایش‌های قومی و سیاسی شدن آن نمی‌توانیم با نظریه‌ای واحد همه مسائل قومی را در تمامی کشورها تشریح نمود و نیز نیازمند یک تحلیل چندعلی به جای تحلیل تک بعدی هستیم که در آن به همه عوامل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مورد توجه قرار گرفته باشند. برخی از مهم‌ترین نظریه‌هایی که از دیدگاه‌های مختلف برای تبیین این موضوع ارائه شده‌اند، عبارتند از: کروگر^۱ (۱۹۹۸) و آگوا^۲ (۱۹۹۷)، شس مؤلفه زبان غیر مشترک، قوم‌گرایی بالا، تبار غیرمشترک، تحریک‌های کشورهای هم‌جوار، انزوای سیاسی و اجتماعی و محرومیت نسبی اقتصادی، بهداشتی و آموزشی را به‌منزله عوامل واگرایی قومیت در جریان ملت‌سازی شناسایی کردند. اسکات و دیویس در حوزه مدیریتی اقوام، عوامل گوناگونی را مانع دستیابی به اجماع و اتفاق نظر عمومی می‌دانند. از نظر آنها شیوع تبعیض و نابرابری، یکی از مخرب‌ترین و مهم‌ترین عوامل است. به این ترتیب تشکیل ملت به جای ایجاد هم‌نیروزی، نوعی نیروی دافعه و هم‌نیروگاهی را به نظام اجتماعی تحمیل می‌کند (اسکات و دیویس^۳، ۲۰۰۷: ۱۰۱؛ به نقل از سعدآبادی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۸۲).

به نظر رابرت تدگر، «محرومیت نسبی» به‌صورت احساس بازیگران بر وجود داشتن اختلاف میان انتظارات ارزشی خود و توانایی ارزشی محیط مشخص می‌شود (کوهن، ۱۳۸۱: ۲۷۲؛ به نقل از لهسائی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۸: ۵۱). این تئوری کاربرد وسیعی برای تبیین منشأ بحران‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و مذهبی دارد و مبنای این تئوری وجود شرایط نابرابر میان اجزای یک اجتماع است که زمینه‌ساز پیدایش محرومیت نسبی یا احساس آن می‌شود (گر، ۱۳۸۰؛ به نقل از ترابی، ۱۳۸۹: ۶). محرومیت نسبی بر دو نوع است: ۱. محرومیت درون‌زا: محرومیتی است که ناشی از ضعف و ناتوانی خود فرد یا گروه باشد. ۲. محرومیت برون‌زا: محرومیتی است که ناشی از عملکرد و سازوکارهای خارجی و فارغ از ویژگی‌های فرد و یا گروه باشد (صالحی، ۱۳۸۶: ۲۵). به نظر وی، اساساً هویت قومی زمانی اهمیت می‌یابد که با افراد یک گروه قومی به واسطه تعلقشان به آن گروه، رفتاری تبعیض‌آمیز در مقایسه با گروه‌های دیگر صورت می‌پذیرد؛ یعنی یک گروه قومی، به دلیل قومیت خود در معرض سرکوب، آزار یا محرومیت از برخی حقوق و مزایا قرار بگیرند (قاسمی،

1. Kruger
2. Aguwa
3. Scott & Davis

(۱۳۸۱: ۱۲۶).

نظریه عوامل ذهنی - عینی راتچایلد و شاپفلین: به اعتقاد آن دو، عوامل ذهنی ریشه در هویت‌خواهی جامعه قومی دارد و شامل عوامل فرهنگی، عقیدتی، سیاسی و روانی است که خواسته‌های اساسی غیرقابل مذاکره‌ای را پدید می‌آورد و از شاخص‌های مهم آن تفاوت‌های زبانی، فرهنگی، ذهنی و تجربه خاص تاریخی و آگاهی از تفاوت‌هاست. عوامل عینی ریشه در مسائل اقتصادی و اجتماعی دارد و شامل اختلافات قومی و تبعیض در سیاست‌ها، برنامه‌ها و ترتیبات سازمانی تبعیض‌آمیز می‌شود (صالحی امیری، ۱۳۸۶: ۳۴).

نظریه ایسمن: بر اساس این نظریه، بوروکراسی سیاسی - اجتماعی و اداری تنظیم شده از سوی دولتمردان اگر به همه گروه‌های قومی اقلیت، اجازه تحرک عمودی در عرصه‌ی سیاسی - اداری و شرکت در مناسبات اداری و سیاسی در سطح مدیریت کشوری را بدهد، گرایش به قوم‌مداری و خاص‌گرایی کاهش یافته و به میزان همگرایی اقوام افزوده می‌شود (همان، ۳۵).

نظریه فرهنگی - اجتماعی مایکل هشتر: مایکل هشتر با مطرح کردن استعمار داخلی، به تحلیل روابط نابرابر فرهنگی بین فرهنگ سلطه‌گر و فرهنگ‌های زیرسلطه در یک جامعه می‌پردازد که عامل آن را دولت مرکزی می‌داند که در دست عده‌ای خاص قبضه شده و با بهره‌گیری از ابزارها و نهادهای دولتی به حاشیه‌رانی اقوام و استثمار آنها مبادرت می‌ورزند (ترابی و مجیدی، ۱۳۹۳: ۱۴).

همچنین تأکید بر ساختارهای اجتماعی و توسعه اقتصادی به‌عنوان متغیرهای تبیینی که علاوه بر هشتر، در آثار والرشترین نیز منعکس است؛ کثرت‌گرایی فرهنگی به‌عنوان یک متغیر اصلی مطرح شده در اثر جوزف فورنیوال و ام. جی. اسمیت؛ رقابت بر سر منابع که در آثار ناتان گلبرز و دانیل موینیهان، فردریک بارت و سوزان اولزاکبه آن اشاره شده است؛ نظریه رقابت نخبگان، منعکس در آثار آنتونی اسمیت، جوزف روتشلید و به‌ویژه پل براس و سرانجام، نظریه انتخاب حساب‌گرانه که در آثار جدیدتر مایکل هشتر و مایکل باتون بر آن تأکید شده است (احمدی، ۱۳۷۸: ۱۵۴ و جوادی ارجمند و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۶-۳۵).

در چارچوب نظریات بومی منتشر شده پیرامون تعامل بین قومی و همگرایی آنها به دو نظریه حمید احمدی (۱۳۸۳) و یوسف ترابی (۱۳۸۹: ۱۹-۱۶) می‌توان اشاره نمود. این نظریه‌ها با توجه به میدان‌های مشترک محیطی به‌عنوان منابع اطلاعاتی مورد نیاز برای تبیین روابط بین قومی، قضایای مشترک زیادی با هم دارند. در یک نگاه جامع‌تر هر دو نظریه به دو علت اساسی به عدم همگرایی اقوام و افزایش تضاد قومی اشاره دارند که بخشی از آن حتی در نظریه‌های غیربومی، مثل نظریه آصفا (صالحی امیری، ۱۳۸۶: ۴۴) نیز آمده است (بهرامیان، ۱۳۹۱: ۱۴۰). به عقیده احمدی، هیچ یک از نظریه‌های منازعات قومی به تنهایی نمی‌توانند سیاسی شدن مسائل قومی در ایران را به اندازه‌ی کافی تبیین نمایند و تأکید بر یکی از نظریه‌های موجود، ما را با مشکل روش‌شناختی روبرو می‌سازد. احمدی، نخبگان سیاسی بومی و غیربومی، نیروهای خارجی و ایجاد دولت مدرن را در قالب یک نظریه‌ی جامع، عامل عمده تأثیرگذار در تحولات سیاسی طی سده‌های اخیر ایران می‌داند. ترابی نیز به تأثیر نخبگان سیاسی و دخالت فرهنگی قدرت‌های

خارجی در قالب عوامل فراملی مؤثر بر همگرایی اقوام اشاره می‌کند. ضمناً در آخرین نظرات احمدی درباره همگرایی به مفهومی به نام «شهروند ملی‌گرا» بر می‌خوریم که آن را نقشه راه تعامل صلح‌طلبانه میان گروه‌های زبانی معرفی می‌کند (همان).

لذا از آنجا که دیدگاه نظریه‌پردازان بومی با اوضاع خاص تاریخی اقوام ایرانی، قرابت منطقی‌تری دارند، بهتر می‌توان مسائل داخلی کشور را با استفاده از آنها تبیین علمی نمود. همچنین هر کدام از این نظریه‌ها ناظر به تبیین برخی از جنبه‌های همگرایی و واگرایی قومی هستند. پژوهش حاضر، تنها و با تکیه بر یک متغیر قابل تبیین نمی‌باشد؛ بر این اساس، در این پژوهش با توجه به یک چارچوب ترکیبی و با عنایت به متغیرهای مختلف در سه مؤلفه سیاسی-امنیتی، اقتصادی و فرهنگی-اجتماعی در دو بعد داخلی و خارجی به تحقیق پرداخته‌ایم، زیرا این امر جز با تلفیق مؤلفه‌های تأثیرگذار و مهم نظریه‌های بالا امکان‌پذیر نمی‌باشد.

عوامل مؤثر در همگرایی اقوام

الف) عامل نژاد: در گذشته، این عامل در بین اقوام بدوی و همچنین در قرون وسطی و شاید تا همین اواخر به اعتقاد فیلسوفان و نظریه‌پردازان اجتماعی جزء عوامل اصلی همبستگی و هویت ملی به‌شمار می‌آمد. ولی در حال حاضر با گسترش ارتباطات و اختلاط زیادی که در بین ملل جهان صورت پذیرفته، اندکی اهمیت خود را از دست داده است.

ب) زبان و فرهنگ: اصولاً زبان هر ملتی از ارکان اصلی فرهنگ و بیان‌کننده فرهنگ هر ملت محسوب می‌گردد. فرهنگ غالباً با تکیه بر زبان، شخصیت و هویت فرهنگی یک ملت را تشکیل می‌دهد. اگر مردم فرانسه «فرانسوی» خوانده می‌شوند، نه تنها به سبب زبان، بلکه به علت فرهنگ که عامل اساسی تشکیل‌دهنده هویت ملی آنها است فرانسوی خوانده می‌شوند.

ج) آداب و رسوم و سنن اجتماعی: سنن اجتماعی و رسوم هر ملت، علاوه بر انعکاس و فرآیند کارکرد هر ملت، عمده‌ترین عنصر تشخیص‌دهنده هویت ملی ملت هر سرزمین است.

د) دین و مذهب: در بسیاری از کشورها، عامل دین و مذهب علاوه بر تشخیص هویت فرهنگی و دینی آن کشور، جزء عوامل شناسایی آن کشور در سطح دنیا و گاه به‌عنوان عامل مهم همبستگی ملی به‌شمار می‌آید. لیکن به این نکته باید اشاره کرد با توجه به این که بسیاری از ادیان مختص مردم یک کشور نبوده، از این‌رو کارشناسان علوم اجتماعی اکنون دین و مذهب را یک عامل معنوی شمرده و گاه در برابر تنش دینی و مذهبی از عوامل اصلی هویت ملی بهره می‌گیرند که بر اهمیت‌ترین عامل همبستگی مردم هر جامعه به‌شمار می‌آید.

ه) سرزمین مشترک: اجتماع افراد در یک سرزمین مشترک عامل اصلی همبستگی یک ملت است. مردمی که در یک سرزمین مشترک زندگی می‌کنند خواه و ناخواه با یکدیگر همبستگی زبانی و فرهنگی پیدا می‌کنند. سخن هانس کوهن، جامعه‌شناس و سیاست‌مدار ملی‌گرای آمریکایی در این باره جالب توجه

است. ایشان می‌گوید: «سرحدات سیاسی باعث به وجود آمدن ملت‌ها می‌شود.» مثلاً ملت کانادا که از ترکیب دو ملت کاملاً متمایز به وجود آمده است حاصل وحدت سیاسی و جغرافیایی کشور کانادا است.

و) عامل اقتصادی: از جمله عوامل ایجاد همبستگی ملی، عامل اقتصادی است به گونه‌ای که نقش این عامل پررنگ‌تر از سایر عوامل می‌باشد. زیرا در بسیاری از موارد مشاهده شده است که افراد از جهات گوناگون مثل زبان، فرهنگ، نژاد و مذهب از یکدیگر متفاوت بودند ولی از نظر اقتصادی دارای هدفی مشترک و بر اثر همکاری برای نیل به این هدف به تدریج در همدیگر ممزوج و بانی یک کشور مستقل گردیده‌اند. کشور سوئیس از جمله این کشورهاست (یوردشاهیان، ۱۳۸۰: ۱۶؛ به نقل از اخوان مفرد و همکاران، ۱۳۸۷: ۴۰۵-۴۰۴ و احمدی و الوند، ۱۳۹۱: ۱۷۳-۱۷۲).

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر جهت‌گیری و بر مبنای هدف‌ها، کاربردی و اکتشافی است. ماهیت پژوهش نیز کمی می‌باشد. این پژوهش بر اساس چگونگی به‌دست آوردن داده‌های مورد نیاز و از جهت روش انجام آن، در زمره تحقیقات توصیفی-تحلیلی می‌باشد. همچنین روش گردآوری اطلاعات در پژوهش حاضر، روش مطالعات میدانی (پیمایشی) است.

در طراحی پرسشنامه نیز با بهره‌گیری از مطالعات نظری و با استفاده از نظر صاحب‌نظران و اساتید محترم، عوامل بالقوه مرتبط با موضوع شناسایی و ابتدا پرسشنامه مقدماتی با ۸۶ سؤال و شش سؤال باز تنظیم و طراحی و در جامعه آماری مدنظر توزیع گردید و پس از تعیین روایی و پایایی آن، پرسشنامه نهایی با ۸۱ سؤال تهیه شد. تا ضمن مطالعه دقیق و علمی، نظر خویش را درباره میزان تأثیر عوامل در سه مؤلفه پیش‌بینی شده در یکی از گزینه‌های پنج‌گانه که بر اساس مقیاس پنج گزینه‌ای طیف لیکرت طراحی شده است، [خیلی زیاد، زیاد، کم، خیلی کم و فاقد اهمیت] مشخص نمایند و لذا در قسمت اول پرسشنامه، فراوانی پاسخ‌های داده شده از سوی پاسخگویان به هر یک از این گزینه‌ها آورده شده است. قسمت دوم جدول نیز شامل درصد فراوانی نسبی پاسخ‌های داده شده از سوی پاسخگویان به هر یک از این گزینه‌ها می‌باشد و در قسمت سوم جدول نیز بر حسب کدگذاری صورت گرفته (به ترتیب برای گزینه خیلی زیاد ارزش عددی ۹، برای گزینه زیاد ارزش عددی ۸، برای گزینه کم ارزش عددی ۳، برای گزینه خیلی کم ارزش عددی ۱ و برای گزینه فاقد اهمیت ارزش عددی صفر در نظر گرفته شده است) میانگین پاسخ‌های داده شده محاسبه و در جدول گنجانده شده است.

در تعیین روایی پرسشنامه، از روش اعتبار محتوا استفاده گردید و به منظور تعیین پایایی آزمون، به کمک نرم‌افزار SPSS میزان ضریب اعتماد با روش آلفای کرونباخ محاسبه شد. مقدار آلفای کلی به‌دست آمده ۰/۶۷۸ می‌باشد، که نشان دهنده آن است که پرسشنامه تحقیق، از قابلیت اعتماد و یا به عبارت دیگر از پایایی لازم برخوردار است. در ادامه محققان پس از جمع‌آوری پاسخ‌ها و استخراج و تجزیه و تحلیل

داده‌ها با استفاده از روش‌های آماری نسبت به شناسایی و تعیین عوامل مؤثر در ارتقا همگرایی در عصر جهانی شدن اقدام نموده‌اند.

جامعه آماری و حجم نمونه

جامعه آماری مورد نظر در این پژوهش به دو دسته تقسیم شده‌اند:

دسته اول: نخبگان و صاحب نظرانی که از نزدیک در صحنه‌های عملیاتی و میدانی در دستگاه‌های اجرایی مرتبط با مسائل قومی نظیر مجلس شورای اسلامی، استانداری و اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی در استان‌های مرزی آذربایجان شرقی، کرمانشاه، خوزستان و سیستان و بلوچستان اشتغال داشته و به نوعی تصمیم‌گیرنده و تأثیرگذارند و جامعه مدیران و صاحب نظران مرتبط را تشکیل می‌دهند که شامل استانداران، معاونان و مشاوران آنها به همراه مدیرکل و معاونان سازمان فرهنگ و ارشاد اسلامی و نمایندگان مجلس شورای اسلامی می‌باشند.

دسته دوم: خبرگان و نخبگان خارج از دستگاه‌ها از جمله اساتید و اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های شهرهای تبریز، کرمانشاه، اهواز و زاهدان که شامل رؤسا و مدیران گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل می‌باشند، انتخاب شده‌اند. از مجموع دسته اول و دوم، جمعاً تعداد ۲۱۴ نفر به‌عنوان جامعه آماری برگزیده شده که متشکل از مسئولین مؤثر در دستگاه‌های مربوطه کشور هستند که مسائل قومی را به لحاظ عملیاتی درک کرده باشند. همچنین این امر به اقتضای مسئله مورد مطالعه، کمی بودن و انجام آن به‌صورت خبرگی در تخمینی به کمک چند تن از صاحب‌نظران انجام گردید. پس از تعیین حدود جمعیت، حجم نمونه نیز در قالب معادله کوکران و با خطای ۰/۱، ۶۶ نفر می‌باشد. ویژگی‌های خبرگان و صاحب‌نظران در جامعه آماری عبارتند از: مدرک تحصیلی حداقل دانشجوی دکتری، تجربه کاری و مدیریتی و فعالیت‌های پژوهشی در حوزه مدنظر. برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران به‌صورت زیر استفاده شده است:

$$n = \frac{\frac{z^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N}(\frac{z^2 pq}{d^2} - 1)}$$

$$n = \frac{(1.96)^2 \times (0.5) \times (0.5)}{(0.1)^2} = 66$$

$$n = \frac{1}{1 + \frac{1}{214} \times \left(\frac{(1.96)^2 \times (0.5) \times (0.5)}{(0.1)^2} - 1 \right)}$$

N: جمع جامعه آماری است که در این تحقیق تعداد آنان ۲۱۴ نفر می‌باشند.

Z: میزان اطمینان برآورد با در نظر گرفتن ضریب اطمینان ۹۵٪ این مقدار برابر با ۱/۹۶ می‌باشد.

d: حداکثر خطای قابل قبول که در اینجا ۰/۱ فرض شده است.

p: نسبت موفقیت بین افراد نمونه است که عدد ۰/۰۵ در نظر گرفته شده است.
 q: نسبت عدم موفقیت در بین افراد نمونه است که عدد ۰/۵۰ در نظر گرفته شده (1-p=q).
 در ضمن در این تحقیق برای نمونه‌گیری، از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای استفاده شده است.

جدول ۱: حجم جامعه و نمونه تحقیق

حجم نمونه	حجم جامعه	طبقه
۴۳	۱۳۸	نمایندگان مجلس
۷	۲۴	اساتید دانشگاه
۱۱	۳۶	استاندارهای
۵	۱۶	اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی
۶۶	۲۱۴	جمع کل

یافته‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها

جداولی که در پی می‌آیند، به تفکیک نشان‌دهنده‌ی نتایج ارزیابی شاخص‌ها و عوامل مؤثر به سبب ارتقاء همگرایی اقوام ایرانی در عصر جهانی‌شدن در سه مؤلفه مدنظر در نمونه مورد بررسی هستند.

بررسی تأثیر عوامل مؤلفه سیاسی - امنیتی بر همگرایی اقوام ایرانی

به منظور بررسی تأثیر عوامل مؤلفه سیاسی - امنیتی بر همگرایی اقوام ایرانی، میانگین ارزش عددی ۲۸ عامل مربوطه برای هر یک از پاسخگویان محاسبه و سپس از آزمون t یک نمونه‌ای جهت آزمودن فرض زیر استفاده گردید که نتایج این آزمون در جدول زیر درج شده است:

$$\left\{ \begin{array}{l} H_0: \mu \leq 4.5 \quad (\text{عوامل مؤلفه سیاسی و امنیتی بر همگرایی اقوام ایرانی تأثیر ندارند.}) \\ H_1: \mu > 4.5 \quad (\text{عوامل مؤلفه سیاسی و امنیتی بر همگرایی اقوام ایرانی تأثیر دارند.}) \end{array} \right.$$

جدول ۲: نتایج آزمون‌های t یک نمونه‌ای مربوط به بررسی میزان تأثیر عوامل مؤلفه سیاسی و امنیتی بر همگرایی اقوام ایرانی

ردیف	عوامل	تعداد نمونه	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار میانگین	مقدار آماره t	سطح معنی‌دار (Sig)
	مؤلفه سیاسی و امنیتی	۶۶	۵/۵۳	۱/۵۲	۰/۱۸۸	۵/۴۸۴	۰/۰۰۰
۱	انسجام و یکپارچگی در سیستم تصمیم‌گیری و سیاستگذاری کشور	۶۶	۶/۱۴	۲/۶۰	۰/۳۲۰	۵/۱۱۱	۰/۰۰۰
۲	الگوی مردم سالاری دینی	۶۶	۶/۵۹	۲/۴۸۱	۰/۳۰۵	۶/۸۴۸	۰/۰۰۰
۳	استقلال و حاکمیت نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران	۶۶	۷/۲۷	۲/۴۵	۰/۳۰۲	۹/۱۸۳	۰/۰۰۰
۴	گفتمان انقلاب اسلامی؛ دولت اسلامی و تأثیر آموزه‌های دینی در پشتیبانی از نظام	۶۶	۶/۲۰	۲/۴۸	۰/۳۰۶	۵/۵۵۴	۰/۰۰۰
۵	رضایت‌مندی از نظام سیاسی کشور	۶۶	۵/۹۸	۲/۴۸۴	۰/۳۰۶	۴/۸۵۷	۰/۰۰۰
۶	اثرگذاری گفتمان سیاسی ایران در مقاومت لبنان و فلسطین و جریان بیداری اسلامی	۶۶	۵/۳۶	۲/۳۲۵	۰/۲۸۶	۳/۰۱۸	۰/۰۰۴
۷	ضعف در فرایند تربیت نخبگان سیاسی مانند تحزب و عدم توجه به نقش نهادهای مدنی در سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های سیاسی	۶۶	۵/۴۵	۲/۶۷	۰/۳۳۰	۲/۸۹۵	۰/۰۰۵
۸	ضعف در فرهنگ سیاسی مدنی و مشارکتی در کشور	۶۶	۵/۳۸	۲/۴۶	۰/۳۰۴	۲/۸۹۴	۰/۰۰۵
۹	ضعف در فرایند جامعه‌پذیری سیاسی اقوام	۶۶	۵/۳۸	۳/۲۱	۰/۳۹۶	۲/۲۲۱	۰/۰۳۰
۱۰	عدم تمرکززدایی از سیاست و نگرش استعلایی به سیاست در مقایسه با سایر حوزه‌ها	۶۶	۵/۷۰	۲/۷۴۵	۰/۳۳۸	۳/۵۴۲	۰/۰۰۱
۱۱	فقدان چرخش نخبگان سیاسی در کشور	۶۶	۵/۵۸	۲/۳۰	۰/۲۸۳	۳/۷۹۸	۰/۰۰۰
۱۲	عدم بهره‌گیری از نخبگان و عقلای قومی در مدیریت‌های اجرایی	۶۶	۵/۴۲	۳/۲۰۱	۰/۳۹۴	۲/۳۴۶	۰/۰۲۲
۱۳	ضعف در اصلاح دیوانسالاری و انفکاک ساختاری و تمایز کارکردی	۶۶	۵/۳۳	۳/۳۱۱	۰/۴۰۸	۲/۰۴۵	۰/۰۴۵



۰/۰۰۰	۳/۸۷۳	۰/۲۹۳	۲/۳۸	۵/۶۴	۶۶	لزوم تغییر نگرش سیاسی و امنیتی و جایگزینی راهبردهای نرم امنیتی	۱۴
۰/۰۱۵	۲/۵۰۲	۰/۳۰۹	۲/۵۰۹	۵/۲۷	۶۶	اصلاح مبانی نظری متناسب و همگام با شرایط جهانی و فقدان سیاست منسجم و مدون با آن	۱۵
۰/۰۰۰	۷/۰۵۵	۰/۲۷۹	۲/۲۶۸	۶/۴۷	۶۶	عدم اتخاذ سیاست‌های قومی مناسب و برآورده ساختن تقاضاهای معقول و قابل انجام قومی	۱۶
۰/۰۰۱	۳/۵۰۲	۰/۲۹۰	۲/۳۵۵	۵/۵۲	۶۶	عدم وجود راهبرد ملی مناسب در ارتباط با غرب	۱۷
۰/۰۰۵	۲/۸۷۹	۰/۳۷۹	۳/۰۷۸	۵/۵۹	۶۶	ارتقا رشد آگاهی‌های سیاسی اقشار مردم	۱۸
۰/۰۰۷	۲/۷۹۸	۰/۲۶۵	۲/۱۵	۵/۳۴	۶۶	اعتمادسازی بین‌المللی در سطح ملتها	۱۹
۰/۰۴۳	۲/۰۶۳	۰/۳۰۱	۲/۴۴۶	۵/۱۲	۶۶	فعالیت و حضور مؤثر در سازوکارهای بین‌المللی	۲۰
۰/۰۲۹	۲/۲۲۸	۰/۳۶۷	۲/۹۸	۵/۳۲	۶۶	مشارکت جدی و ایفای نقش مؤثر در تحولات منطقه‌ای	۲۱
۰/۰۰۱	۳/۴۲۹	۰/۳۸۴	۳/۱۲۳	۵/۸۲	۶۶	تداوم تنش‌زدایی با کشورهای همسایه و سایر کشورها	۲۲
۰/۰۰۳	۳/۰۸۲	۰/۲۶۵	۲/۱۵۷	۵/۳۲	۶۶	بهره‌برداری سیاسی از ابزارهای فرهنگی و اقتصادی در عرصه جهانی	۲۳
۰/۰۰۴	۲/۹۵۰	۰/۳۸۰	۳/۰۸۷	۵/۶۲	۶۶	احساس محرومیت نسبی در بُعد سیاسی در میان اقوام	۲۴
۰/۰۴۹	۲/۰۰۲	۰/۳۵۶	۲/۸۹۰	۵/۲۱	۶۶	ایجاد تفرقه و تحریک اقوام مستقر در نزدیکی مرزهای کشور	۲۵
۰/۰۰۱	۳/۵۱۳	۰/۳۲۸	۲/۶۶۳	۵/۶۵	۶۶	بی‌ثباتی در منطقه و تشدید واگرایی و اختلافات منطقه‌ای	۲۶
۰/۰۲۹	۲/۲۳۴	۰/۳۸۰	۳/۰۸۶	۵/۳۵	۶۶	افزایش روزافزون قدرت تهاجم عملیات روانی رسانه‌ای بیگانگان	۲۷
۰/۰۱۵	۲/۴۸۹	۰/۲۸۶	۲/۳۲۴	۵/۲۱	۶۶	بهره‌گیری ابرقدرت‌ها از روش‌ها و شیوه‌های قدرت نرم	۲۸

با توجه به سطوح معنی‌داری به‌دست آمده از آزمون t تک نمونه‌ای می‌توان گفت با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان عوامل ذکر شده بر اساس دیدگاه پاسخ‌دهندگان، اثر معنی‌داری بر همگرایی اقوام ایرانی دارند.

اولویت‌بندی عوامل مختلف سیاسی و امنیتی بر همگرایی اقوام ایرانی

به منظور مقایسه میزان تأثیر عوامل مختلف سیاسی و امنیتی بر همگرایی اقوام ایرانی و اولویت‌بندی این عوامل، از روش تحلیل واریانس فریدمن استفاده گردید که نتایج این آزمون در جدول زیر درج شده است:

$$\left\{ \begin{array}{l} H_0: \text{میزان تأثیر عوامل مختلف سیاسی و امنیتی بر همگرایی اقوام ایرانی یکسان است.} \\ H_1: \text{حداقل یکی از این عوامل، دارای تأثیر بیشتری در این زمینه می‌باشد.} \end{array} \right.$$

جدول ۳: نتایج آزمون تحلیل واریانس فریدمن جهت مقایسه میزان تأثیر عوامل مختلف

سیاسی بر همگرایی اقوام ایرانی

عوامل	تعداد نمونه	مقدار آماره خی دو	درجه آزادی	سطح معنی‌دار (Sig.)
مقایسه تأثیر عوامل مختلف سیاسی و امنیتی	۶۶	۹۷/۲۸۲	۲۷	۰/۰۰۰

با توجه به سطح معنی‌داری به دست آمده از آزمون فریدمن ($\text{Sig} = 0/000$) که کوچکتر از سطح آزمون ($\alpha = 0/05$) است، فرض صفر (H_0) رد می‌شود که بر اساس میانگین‌های به دست آمده می‌توان عوامل مختلف سیاسی و امنیتی را از نظر میزان تأثیر آنها بر همگرایی اقوام ایرانی، به صورت جدول زیر اولویت‌بندی نمود.

جدول ۴: اولویت‌بندی عوامل مختلف سیاسی و امنیتی از نظر میزان تأثیر آنها بر همگرایی اقوام

ایرانی، با توجه به میانگین‌های به دست آمده

اولویت	عوامل	میانگین (از ۹ نمره)
۱	استقلال و حاکمیت نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران	۷/۲۷
۲	الگوی مردم سالاری دینی	۶/۵۹
۳	عدم اتخاذ سیاست‌های قومی مناسب و برآورده ساختن تقاضاهای معقول و قابل انجام قومی	۶/۴۷
۴	گفتمان انقلاب اسلامی؛ دولت اسلامی و تأثیر آموزه‌های دینی در پشتیبانی از نظام	۶/۲۰
۵	انسجام و یکپارچگی در سیستم تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری کشور	۶/۱۴
۶	رضایت‌مندی از نظام سیاسی کشور	۵/۹۸
۷	تداوم تنش‌زدایی با کشورهای همسایه و سایر کشورها	۵/۸۲



۵/۷۰	عدم تمرکززدایی از سیاست و نگرش استعلایی به سیاست در مقایسه با سایر حوزه‌ها	۸
۵/۶۵	بی‌ثباتی در منطقه و تشدید واگرایی و اختلافات منطقه‌ای	۹
۵/۶۴	لزوم تغییر نگرش سیاسی و امنیتی و جایگزینی راهبردهای نرم امنیتی	۱۰
۵/۶۲	احساس محرومیت نسبی در بُعد سیاسی در میان اقوام	۱۱
۵/۵۹	ارتقا رشد آگاهی‌های سیاسی اقشار مردم	۱۲
۵/۵۸	فقدان چرخش نخبگان سیاسی در کشور	۱۳
۵/۵۲	عدم وجود راهبرد ملی مناسب در ارتباط با غرب	۱۴
۵/۴۵	ضعف در فرایند تربیت نخبگان سیاسی مانند تحزب و عدم توجه به نقش نهادهای مدنی در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های سیاسی	۱۵
۵/۴۲	عدم بهره‌گیری از نخبگان قومی و عقلای قومی در مدیریت‌های اجرایی	۱۶
۵/۳۸	ضعف در فرایند جامعه‌پذیری سیاسی اقوام	۱۷
۵/۳۸	ضعف در فرهنگ سیاسی مدنی و مشارکتی در کشور	۱۸
۵/۳۶	اثرگذاری گفتمان سیاسی ایران در مقاومت لبنان و فلسطین و جریان بیداری اسلامی	۱۹
۵/۳۵	افزایش روزافزون قدرت تهاجم عملیات روانی رسانه‌های بیگانگان	۲۰
۵/۳۳	ضعف در اصلاح دیوانسالاری و انفکاک ساختاری و تمایز کارکردی	۲۱
۵/۳۲	بهره‌برداری سیاسی از ابزارهای فرهنگی و اقتصادی در عرصه جهانی	۲۲
۵/۳۲	مشارکت جدی و ایفای نقش مؤثر در تحولات منطقه‌ای	۲۳
۵/۲۷	اصلاح مبانی نظری متناسب و همگام با شرایط جهانی و فقدان سیاست منسجم و مدون با آن	۲۴
۵/۲۴	اعتمادسازی بین‌المللی در سطح ملت‌ها	۲۵
۵/۲۱	ایجاد تفرقه و تحریک اقوام مستقر در نزدیکی مرزهای کشور	۲۶
۵/۲۱	بهره‌گیری ابرقدرت‌ها از روش‌ها و شیوه‌های قدرت نرم	۲۷
۵/۱۲	فعالیت و حضور مؤثر در ساز و کارهای بین‌المللی	۲۸

همان‌طور که ملاحظه می‌شود از دیدگاه پاسخگویان عوامل «استقلال و حاکمیت نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران»، «الگوی مردم سالاری دینی»، «عدم اتخاذ سیاست‌های قومی مناسب و برآورده ساختن تقاضاهای معقول و قابل انجام قومی»، «گفتمان انقلاب اسلامی؛ دولت اسلامی و تأثیر آموزه‌های دینی در پشتیبانی از نظام» و «انسجام و یکپارچگی در سیستم تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری کشور»، «عدم تمرکززدایی از سیاست و نگرش استعلایی به سیاست در مقایسه با سایر حوزه‌ها»، «تداوم تنش‌زدایی با کشورهای همسایه و سایر کشورها» بیشترین تأثیر را بر همگرایی اقوام ایرانی داشته‌اند.

بررسی تأثیر عوامل مؤلفه اقتصادی در همگرایی اقوام ایرانی

به منظور بررسی تأثیر عوامل مؤلفه اقتصادی بر همگرایی اقوام ایرانی، میانگین ارزش عددی ۲۰ عامل مربوطه برای هر یک از پاسخگویان محاسبه و سپس از آزمون t یک نمونه‌ای جهت آزمودن فرض زیر استفاده گردید که نتایج این آزمون در جدول زیر درج شده است:

$$\left\{ \begin{array}{l} H_0: \mu \leq 4.5 \quad (\text{عوامل مؤلفه اقتصادی بر همگرایی اقوام ایرانی تأثیر ندارند.}) \\ H_1: \mu > 4.5 \quad (\text{عوامل مؤلفه اقتصادی بر همگرایی اقوام ایرانی تأثیر دارند.}) \end{array} \right.$$

جدول ۵: نتایج آزمون‌های t یک نمونه‌ای مربوط به بررسی میزان تأثیر عوامل مختلف اقتصادی بر همگرایی اقوام ایرانی

ردیف	عوامل	تعداد نمونه	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار میانگین	مقدار آماره t	سطح معنی‌دار (Sig.)
	مؤلفه اقتصادی	۶۶	۵/۳۴	۱/۴۷۹	۰/۱۸۲	۴/۶۲۳	۰/۰۰۰
۱	وجود ذخائر بالای انرژی و منابع طبیعی	۶۶	۵/۳۵	۳/۰۸۶	۰/۳۸۰	۲/۲۳۴	۰/۰۲۹
۲	وسعت سرزمینی و تنوع اقلیمی و جغرافیایی ایران	۶۶	۵/۱۴	۲/۵۴۷	۰/۳۱۴	۲/۰۳۰	۰/۰۴۷
۳	سند چشم‌انداز بیست ساله و سیاست‌های کلان آن	۶۶	۶/۹۸	۲/۶۶۹	۰/۳۲۹	۷/۵۶۴	۰/۰۰۰
۴	تسهیل در جذب سرمایه‌گذاری خارجی و تصویب قانون آن	۶۶	۵/۲۶	۲/۸۳۰	۰/۳۴۸	۲/۱۷۵	۰/۰۳۳
۵	فعال‌سازی سیاست‌های کلان اصل ۴۴ و تصویب قانون آن	۶۶	۵/۲۹	۳/۰۳۲	۰/۳۷۳	۲/۱۱۱	۰/۰۳۹
۶	تمرکز مراکز صنعتی و تولیدی و زیرساخت‌های عمده اقتصادی در برخی استان‌ها	۶۶	۵/۳۶	۲/۳۲۵	۰/۲۸۶	۳/۰۱۸	۰/۰۰۴
۷	عدم وجود ثبات اقتصادی و مهار شاخص‌های کلان اقتصادی نظیر تورم، بیکاری، نرخ بهره‌وری پایین و	۶۶	۵/۳۰	۳/۲۵۸	۰/۴۰۱	۲/۰۰۲	۰/۰۴۹
۸	توسعه‌نیافتگی زیرساخت‌های اقتصاد نوین و عدم تسهیل مشارکت بخش خصوصی در امور اقتصادی کشور	۶۶	۵/۷۷	۳/۰۹۷	۰/۳۸۱	۳/۳۳۸	۰/۰۰۱



۰/۰۰۵	۲/۸۹۴	۰/۳۰۴	۲/۴۶۷	۵/۳۸	۶۶	عدم وجود امنیت سرمایه‌گذاری در کشور	۹
۰/۰۰۶	۲/۸۱۶	۰/۳۸۲	۳/۱۰۴	۵/۵۸	۶۶	سلطه و تصدی‌گری دولت بر اقتصاد کشور	۱۰
۰/۰۰۱	۳/۴۹۶	۰/۳۲۵	۲/۶۴۱	۵/۶۴	۶۶	ناتوانی در تولید ملی	۱۱
۰/۰۲۲	۲/۳۵۴	۰/۳۸۶	۳/۱۳۸	۵/۴۱	۶۶	تقسیم ناعادلانه فرصت‌های مدیریتی و سهم نابرابر مناطق مرزی و قوم‌نشین کشور	۱۲
۰/۰۰۳	۳/۰۹۷	۰/۲۶۹	۲/۱۸۶	۵/۳۳	۶۶	عدم بهره‌گیری از توان و ظرفیت‌های موجود در مناطق مرزی و قوم‌نشین کشور	۱۳
۰/۰۳۵	۲/۱۵۵	۰/۳۶۶	۲/۹۷۰	۵/۲۹	۶۶	بازارهای گسترده داخلی و منطقه‌ای	۱۴
۰/۰۰۰	۶/۷۷۴	۰/۲۸۴	۲/۳۰۸	۶/۴۲	۶۶	موقعیت ژئواکونومیک ایران	۱۵
۰/۰۴۰	۲/۰۹۶	۰/۳۳۳	۲/۷۰۲	۵/۲۰	۶۶	وجود جاذبه‌های توریستی، رونق و توسعه صنعت گردشگری	۱۶
۰/۰۰۰	۳/۷۰۱	۰/۲۷۸	۲/۲۶۲	۵/۵۳	۶۶	ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف در ایران	۱۷
۰/۰۳۲	۲/۱۸۸	۰/۳۳۹	۲/۷۵۷	۵/۲۴	۶۶	تحریم‌های اقتصادی	۱۸
۰/۰۳۰	۲/۲۲۵	۰/۳۰۰	۲/۴۳۴	۵/۱۷	۶۶	افزایش فقر و ناامیدی در مناطق مرزی کشور	۱۹
۰/۰۱۴	۲/۵۱۸	۰/۳۷۹	۳/۰۷۹	۵/۴۵	۶۶	توسعه نامتوازن و شکاف بالای اقتصادی در کشور	۲۰

با توجه به سطوح معنی‌داری به‌دست آمده از آزمون t تک نمونه‌ای می‌توان گفت با ۹۵ درصد اطمینان عوامل ذکر شده از سوی پاسخ‌دهندگان، اثر معنی‌داری بر همگرایی اقوام ایرانی دارند.

اولویت‌بندی عوامل مختلف اقتصادی از نظر میزان تأثیر بر همگرایی اقوام ایرانی

به منظور مقایسه میزان تأثیر عوامل مختلف اقتصادی بر همگرایی اقوام ایرانی و اولویت‌بندی این عوامل، از روش تحلیل واریانس فریدمن استفاده گردید که نتایج این آزمون در جدول زیر درج شده است:

$$\begin{cases} H_0: & \text{میزان تأثیر عوامل مختلف اقتصادی بر همگرایی اقوام ایرانی یکسان است.} \\ H_1: & \text{حداقل یکی از این عوامل، دارای تأثیر بیشتری در این زمینه می‌باشد.} \end{cases}$$

جدول ۶: نتایج آزمون تحلیل واریانس فریدمن جهت مقایسه میزان تأثیر عوامل مختلف اقتصادی بر همگرایی اقوام ایرانی

عوامل	تعداد نمونه	مقدار آماره خی دو	درجه آزادی	سطح معنی دار (Sig.)
مقایسه تأثیر عوامل مختلف اقتصادی	۶۶	۶۸/۲۳۵	۱۹	۰/۰۰۰

با توجه به سطح معنی داری به دست آمده از آزمون فریدمن ($\text{Sig} = 0/009$) که کوچکتر از سطح آزمون ($\alpha = 0/05$) است، فرض صفر (H_0) رد می‌شود که بر اساس میانگین‌های به دست آمده می‌توان عوامل مختلف اقتصادی را از نظر میزان تأثیر آنها بر همگرایی اقوام ایرانی، به صورت جدول زیر اولویت‌بندی نمود.

جدول ۷: اولویت‌بندی عوامل مختلف اقتصادی از نظر میزان تأثیر آنها بر همگرایی اقوام ایرانی، با توجه به میانگین‌های به دست آمده

اولویت	عوامل	میانگین (از ۹ نمره)
۱	سند چشم انداز بیست‌ساله و سیاست‌های کلان آن	۶/۹۸
۲	موقعیت ژئواکونومیک ایران	۶/۴۲
۳	توسعه‌نیافتگی زیرساخت‌های اقتصاد نوین و عدم تسهیل مشارکت بخش خصوصی در امور اقتصادی کشور	۵/۷۷
۴	ناتوانی در تولید ملی	۵/۶۴
۵	سلطه و تصدی‌گری دولت بر اقتصاد کشور	۵/۵۸
۶	ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف در ایران	۵/۵۳
۷	توسعه نامتوازن و شکاف بالای اقتصادی در کشور	۵/۴۵
۸	تقسیم ناعادلانه فرصت‌های مدیریتی و سهم نابرابر مناطق مرزی و قوم‌نشین کشور	۵/۴۱
۹	عدم وجود امنیت سرمایه‌گذاری در کشور	۵/۳۸
۱۰	تمرکز مراکز صنعتی و تولیدی و زیرساخت‌های عمده اقتصادی در برخی استان‌ها	۵/۳۶
۱۱	وجود ذخائر بالای انرژی و منابع طبیعی	۵/۳۵
۱۲	عدم بهره‌گیری از توان و ظرفیت‌های موجود در مناطق محروم و مرزی کشور	۵/۳۳
۱۳	عدم وجود ثبات اقتصادی و مهار شاخص‌های کلان اقتصادی نظیر تورم، بیکاری، نرخ بهره‌وری پایین و	۵/۳۰
۱۴	بازارهای گسترده داخلی و منطقه‌ای	۵/۲۹



۵/۲۹	فعال‌سازی سیاست‌های کلان اصل ۴۴ و تصویب قانون آن	۱۵
۵/۲۶	تسهیل در جذب سرمایه‌گذاری خارجی و تصویب قانون آن	۱۶
۵/۲۴	تحریم‌های اقتصادی	۱۷
۵/۲۰	وجود جاذبه‌های توریستی، رونق و توسعه صنعت گردشگری	۱۸
۵/۱۷	افزایش فقر و ناامیدی در مناطق مرزی کشور	۱۹
۵/۱۴	وسعت سرزمینی و تنوع اقلیمی و جغرافیایی ایران	۲۰

همان‌طور که ملاحظه می‌شود از دیدگاه پاسخگویان عوامل «سند چشم‌انداز بیست ساله و سیاست‌های کلان آن»، «موقعیت ژئواکونومیک ایران»، «توسعه نیافتگی زیرساخت‌های اقتصاد نوین و عدم تسهیل مشارکت بخش خصوصی در امور اقتصادی کشور»، «ناتوانی در تولید ملی»، «سلطه و تصدی‌گری دولت بر اقتصاد کشور»، «ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف در ایران» و «توسعه نامتوازن و شکاف بالای اقتصادی در کشور» به ترتیب، بیشترین تأثیر را بر همگرایی اقوام ایرانی داشته‌اند.

بررسی تأثیر عوامل مؤلفه فرهنگی - اجتماعی بر همگرایی اقوام ایرانی

به منظور بررسی تأثیر عوامل مؤلفه فرهنگی - اجتماعی بر همگرایی اقوام ایرانی، میانگین ارزش عددی ۳۳ عامل مربوطه برای هر یک از پاسخگویان محاسبه و سپس از آزمون t یک نمونه‌ای جهت آزمودن فرض زیر استفاده گردید که نتایج این آزمون در جدول زیر درج شده است:

$$\left\{ \begin{array}{l} H_0: \mu \leq 4.5 \quad (\text{عوامل مؤلفه فرهنگی و اجتماعی بر همگرایی اقوام ایرانی تأثیر ندارند.}) \\ H_1: \mu > 4.5 \quad (\text{عوامل مؤلفه فرهنگی و اجتماعی بر همگرایی اقوام ایرانی تأثیر دارند.}) \end{array} \right.$$

جدول ۸: نتایج آزمون‌های t یک نمونه‌ای مربوط به بررسی میزان تأثیر عوامل مختلف فرهنگی - اجتماعی بر همگرایی اقوام ایرانی

ردیف	عوامل	تعداد نمونه	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار میانگین	مقدار آماره t	سطح معنی‌دار (Sig.)
	مؤلفه فرهنگی و اجتماعی	۶۶	۵/۴۳	۱/۴۹۴	۱/۸۳۹	۵/۰۶۲	۰/۰۰۰
۱	وحدت و انسجام ملی (هویت ایرانی و اسلامی)	۶۶	۶/۹۵	۲/۷۲۶	۰/۳۳۵	۷/۳۱۶	۰/۰۰۰
۲	ظرفیت‌های دینی و ملی غنی در تمدن ایرانی اسلامی	۶۶	۵/۸۶	۲/۵۸۳	۰/۳۱۸	۴/۲۸۸	۰/۰۰۰
۳	اصالت تنوع قومی و فرهنگی در کشور	۶۶	۶/۲۰	۲/۵۳۷	۰/۳۱۲	۵/۴۳۴	۰/۰۰۰

۰/۰۲۳	۲/۳۳۲	۰/۳۳۸	۲/۷۴۴	۵/۲۹	۶۶	غناى فرهنگ، زبان و ادب فارسى	۴
۰/۰۰۵	۲/۸۹۴	۰/۳۰۴	۲/۴۶۷	۵/۳۸	۶۶	آمیختگی تمدن چند هزار ساله ایرانی با فرهنگ اسلامی	۵
۰/۰۱۴	۲/۵۱۸	۰/۳۷۹	۳/۰۷۹	۵/۴۵	۶۶	موقعیت مناسب گردشگری و جهانگردی در ایران	۶
۰/۰۰۰	۶/۵۰۴	۰/۲۹۱	۲/۳۶۶	۶/۳۹	۶۶	اعتماد اجتماعی	۷
۰/۰۰۵	۲/۸۷۳	۰/۳۲۲	۲/۶۱۴	۵/۴۲	۶۶	کم توجهی و کمبود اعتبارات و امکانات آموزشی مناسب در مناطق مرزی و قوم‌نشین کشور	۸
۰/۰۴۷	۲/۰۳۰	۰/۳۱۴	۲/۵۴۷	۵/۱۴	۶۶	در دسترس نبودن مطبوعات و روزنامه‌های محلی در مناطق مرزی کشور	۹
۰/۰۰۱	۳/۳۱۸	۰/۲۹۲	۲/۳۷۴	۵/۴۷	۶۶	تأثیر نهادهای روایتگر هویت‌ساز کشور	۱۰
۰/۰۳۱	۲/۲۱۰	۰/۲۸۸	۲/۳۴۰	۵/۱۴	۶۶	مدیریت صحیح خرده فرهنگ‌های معارض	۱۱
۰/۰۰۴	۲/۹۹۳	۰/۳۸۵	۳/۱۲۶	۵/۶۵	۶۶	تحقق مطلوب عدالت و برابری اجتماعی	۱۲
۰/۰۲۰	۲/۳۸۷	۰/۳۷۵	۳/۰۴۳	۵/۳۹	۶۶	مدیریت واقع‌بینانه در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی	۱۳
۰/۰۳۴	۲/۱۶۷	۰/۳۹۹	۳/۲۳۷	۵/۳۶	۶۶	ضعف در سیستم قانون‌گرایی، قانون‌پذیری و مسئولیت‌پذیری	۱۴
۰/۰۰۶	۲/۸۱۶	۰/۳۸۲	۳/۱۰۴	۵/۵۸	۶۶	سیاست‌گذاری فرهنگی مناسب و همگام با زمانه و شرایط قومی در کشور	۱۵
۰/۰۰۶	۰/۸۵۸	۰/۲۹۲	۲/۳۶۹	۵/۳۳	۶۶	حفظ و توسعه ارزش‌های بنیادین جامعه	۱۶
۰/۰۲۹	۲/۲۳۴	۰/۳۸۰	۳/۰۸۶	۵/۳۵	۶۶	تأثیر نهادهای جامعه‌پذیر در انتقال مبانی هویت ایرانی و اسلامی (دینی و ملی)	۱۷
۰/۰۰۰	۶/۰۶۶	۰/۳۱۰	۲/۵۱۶	۶/۳۸	۶۶	ولایت و امامت و مرجعیت	۱۸
۰/۰۰۱	۳/۳۶۵	۰/۳۰۲	۲/۴۵۱	۵/۵۲	۶۶	موقعیت ویژه اسلام و تشیع در منطقه و جهان	۱۹
۰/۰۴۱	۲/۰۹۰	۰/۳۰۵	۲/۴۷۴	۵/۱۴	۶۶	گستره حوزه تمدنی ایران اسلامی	۲۰
۰/۰۰۵	۲/۹۰۵	۰/۲۷۱	۲/۲۰۳	۵/۲۹	۶۶	ظرفیت بالای هویت‌سازی فرهنگ و ادب فارسی	۲۱
۰/۰۲۲	۲/۳۴۲	۰/۲۳۹	۱/۹۴۴	۵/۰۶	۶۶	تبادل و تعامل فرهنگی با سایر ملل	۲۲
۰/۰۰۱	۳/۵۰۶	۰/۲۸۱	۲/۲۸۲	۵/۴۸	۶۶	وجود ظرفیت‌های غنی هویت ایرانی اسلامی برای جهانی شدن	۲۳



۰/۰۲۸	۲/۲۴۷	۰/۳۲۴	۲/۶۳۰	۵/۲۳	۶۶	وجود منابع و امکانات اعتباری و ساختاری حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی	۲۴
۰/۰۰۷	۲۱/۷۹۰	۰/۲۹۹	۲/۴۲۶	۵/۳۳	۶۶	توسعه ارتباطات و گسترش رسانه‌های جمعی	۲۵
۰/۰۰۶	۲/۸۵۱	۰/۳۱۴	۲/۵۴۷	۵/۳۹	۶۶	افزایش سطح تحصیلات و سواد عمومی در کشور	۲۶
۰/۰۰۱	۳/۳۵۰	۰/۳۳۰	۲/۶۸۳	۵/۶۱	۶۶	نمادها و آیین‌های مذهبی و ملی (عاشورا، نوروز و ...)	۲۷
۰/۰۰۱	۳/۳۸۲	۰/۲۶۹	۲/۱۸۴	۵/۴۱	۶۶	الهام‌بخشی انقلاب اسلامی در بخش‌های فرهنگی و اجتماعی	۲۸
۰/۰۰۴	۲/۹۹۹	۰/۳۴۴	۲/۷۹۱	۵/۵۳	۶۶	جوامع مجازی قومی	۲۹
۰/۰۳۷	۲/۱۳۱	۰/۳۸۴	۳/۱۱۹	۵/۳۲	۶۶	تهدیدات نرم	۳۰
۰/۰۰۰	۳/۶۸۵	۰/۲۹۶	۲/۴۰۵	۵/۵۹	۶۶	حمایت سلطه خارجی از تجزیه‌طلبی قومی و بحران‌های هویتی در ایران	۳۱
۰/۰۳۱	۲/۲۰۳	۰/۳۶۴	۲/۹۶۱	۵/۳۰	۶۶	تشدید اختلافات و واگرایی دینی	۳۲
۰/۰۰۰	۴/۳۶۳	۰/۳۳۳	۲/۷۰۹	۵/۵۹	۶۶	تهاجم فرهنگی، زمینه‌ها و بسترهای اشاعه فرهنگ بیگانه	۳۳

با توجه به سطوح معنی‌داری به دست آمده از آزمون t تک نمونه‌ای می‌توان گفت بر اساس نظر پاسخ‌دهندگان با ۹۵ درصد اطمینان عوامل ذکر شده، اثر معنی‌داری بر همگرایی اقوام ایرانی دارند.

اولویت‌بندی عوامل مختلف فرهنگی - اجتماعی از نظر میزان تأثیر بر همگرایی اقوام ایرانی
 به منظور مقایسه میزان تأثیر عوامل مختلف فرهنگی و اجتماعی بر همگرایی اقوام ایرانی و اولویت‌بندی این عوامل، از روش تحلیل واریانس فریدمن استفاده گردید که نتایج این آزمون در جدول زیر درج شده است:

$$\begin{cases} H_0: \text{میزان تأثیر عوامل مختلف فرهنگی و اجتماعی بر همگرایی اقوام ایرانی یکسان است.} \\ H_1: \text{حداقل یکی از این عوامل، دارای تأثیر بیشتری در این زمینه می‌باشد.} \end{cases}$$

جدول ۹: نتایج آزمون تحلیل واریانس فریدمن جهت مقایسه میزان تأثیر عوامل مختلف فرهنگی و اجتماعی بر همگرایی اقوام ایرانی

عوامل	تعداد نمونه	مقدار آماره خی دو	درجه آزادی	سطح معنی‌دار (Sig.)
مقایسه تأثیر عوامل مختلف فرهنگی و اجتماعی	۶۶	۹۱/۶۰۲	۳۲	۰/۰۰۰

با توجه به سطح معنی‌داری به‌دست آمده از آزمون فریدمن ($\text{Sig.} = 0/000$) که کوچکتر از سطح آزمون ($\alpha = 0/05$) است، فرض صفر (H_0) رد می‌شود که بر اساس میانگین‌های به‌دست آمده می‌توان عوامل مختلف فرهنگی و اجتماعی را از نظر میزان تأثیر آنها بر همگرایی اقوام ایرانی، به‌صورت جدول زیر اولویت‌بندی نمود.

جدول ۱۰: اولویت‌بندی عوامل مختلف فرهنگی و اجتماعی از نظر میزان تأثیر آنها بر همگرایی اقوام ایرانی، با توجه به میانگین‌های به‌دست آمده

اولویت	عوامل	میانگین (از ۹ نمره)
۱	وحدت و انسجام ملی (هویت ایرانی و اسلامی)	۶/۹۵
۲	اعتماد اجتماعی	۶/۳۹
۳	ولایت و امامت و مرجعیت	۶/۳۸
۴	اصالت تنوع قومی و فرهنگی در کشور	۶/۲۰
۵	ظرفیت‌های دینی و ملی غنی در تمدن ایرانی اسلامی	۵/۸۶
۶	ضعف در تحقق مطلوب عدالت و برابری اجتماعی	۵/۶۵
۷	نمادها و آیین‌های مذهبی و ملی (عاشورا، نوروز و ...)	۵/۶۱
۸	تهاجم فرهنگی، زمینه‌ها و بسترهای اشاعه فرهنگ بیگانه	۵/۵۹
۹	حمایت سلطه‌ی خارجی از تجزیه طلبی قومی و بحران‌های هویتی در ایران	۵/۵۹
۱۰	تأثیر سیاست‌گذاری فرهنگی مناسب و همگام با زمانه و شرایط قومی در کشور	۵/۵۸
۱۱	جوامع مجازی قومی	۵/۵۳
۱۲	وجود ظرفیت‌های غنی هویت ایرانی اسلامی برای جهانی شدن	۵/۴۸
۱۳	موقعیت ویژه اسلام و تشیع در منطقه و جهان	۵/۵۲
۱۴	تأثیر نهادهای روایتگر هویت‌ساز کشور	۵/۴۷
۱۵	موقعیت مناسب گردشگری و جهانگردی در ایران	۵/۴۵
۱۶	اعتبارات و امکانات آموزشی مناسب در مناطق مرزی و قوم‌نشین کشور	۵/۴۲
۱۷	الهام‌بخشی انقلاب اسلامی در بخش‌های فرهنگی و اجتماعی	۵/۴۱
۱۸	مدیریت واقع‌بینانه در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی	۵/۳۹
۱۹	افزایش سطح تحصیلات و سواد عمومی در کشور	۵/۳۹
۲۰	آمیختگی تمدن چند هزار ساله ایرانی با فرهنگ اسلامی	۵/۳۸
۲۱	سیستم قانون‌گرایی، قانون‌پذیری و مسئولیت‌پذیری	۵/۳۶
۲۲	تأثیر نهادهای جامعه‌پذیر در انتقال مبانی هویت ایرانی و اسلامی (دینی و ملی)	۵/۳۵



۲۳	توسعه ارتباطات و گسترش رسانه‌های جمعی	۵/۳۳
۲۴	حفظ و توسعه ارزش‌های بنیادین جامعه	۵/۳۳
۲۵	تهدیدات نرم	۵/۳۲
۲۶	تشدید اختلافات و واگرایی دینی	۵/۳۰
۲۷	ظرفیت بالای هویت‌سازی فرهنگ و ادب فارسی	۵/۲۹
۲۸	غناي فرهنگ، زبان و ادب فارسی	۵/۲۹
۲۹	وجود منابع و امکانات اعتباری و ساختاری حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی	۵/۲۳
۳۰	گستره‌ی حوزه تمدنی ایران اسلامی	۵/۱۴
۳۱	مدیریت صحیح خرده فرهنگ‌های معارض	۵/۱۴
۳۲	در دسترس نبودن مطبوعات و روزنامه‌های محلی در مناطق مرزی کشور	۵/۱۴
۳۳	تبادل و تعامل فرهنگی با سایر ملل	۵/۰۶

همان‌طور که ملاحظه می‌شود از دیدگاه پاسخگویان عوامل «وحدت و انسجام ملی (هویت ایرانی و اسلامی)»، «اعتماد اجتماعی»، «ولایت و امامت و مرجعیت»، «اصالت تنوع قومی و فرهنگی در کشور»، «ظرفیت‌های دینی و ملی غنی در تمدن ایرانی اسلامی» و «ضعف در تحقق مطلوب عدالت و برابری اجتماعی»، به ترتیب، بیشترین تأثیر را بر همگرایی اقوام ایرانی داشته‌اند.

مقایسه میزان تأثیر مؤلفه‌های مختلف بر همگرایی اقوام ایرانی

به منظور مقایسه میزان تأثیر مؤلفه‌های مختلف بر همگرایی اقوام ایرانی و اولویت‌بندی این عوامل، از روش تحلیل واریانس فریدمن استفاده گردید که نتایج این آزمون در جدول زیر درج شده است:

$$\left\{ \begin{array}{l} H_0: \text{میزان تأثیر عوامل مختلف بر همگرایی اقوام ایرانی یکسان است.} \\ H_1: \text{حداقل یکی از این عوامل، دارای تأثیر بیشتری در این زمینه می‌باشد.} \end{array} \right.$$

جدول ۱۱: نتایج آزمون تحلیل واریانس فریدمن جهت مقایسه میزان تأثیر مؤلفه‌های مختلف

بر همگرایی اقوام ایرانی

عوامل	تعداد نمونه	مقدار آماره خی دو	درجه آزادی	سطح معنی‌دار (Sig.)
مقایسه تأثیر مؤلفه‌های مختلف	۶۶	۶/۵۷۶	۲	۰/۰۳۷

با توجه به سطح معنی‌داری به دست آمده از آزمون فریدمن ($\text{Sig} = 0/000$) که کوچکتر از سطح آزمون ($\alpha = 0/05$) است، فرض صفر (H_0) رد می‌شود، یعنی بین میزان تأثیر این مؤلفه‌ها بر همگرایی اقوام ایرانی

تفاوت‌هایی وجود دارد، و این تفاوت‌ها از نظر آماری معنی‌دار می‌باشند. جدول زیر میانگین میزان تأثیر این مؤلفه‌ها را بر همگرایی اقوام ایرانی، نشان می‌دهد.

جدول ۱۲: میانگین میزان تأثیر مؤلفه‌های مختلف بر همگرایی اقوام ایرانی

اولویت	عوامل	میانگین (از ۹ نمره)
۱	مؤلفه سیاسی - امنیتی	۵/۵۳
۲	مؤلفه فرهنگی - اجتماعی	۵/۴۳
۳	مؤلفه اقتصادی	۵/۳۴

در نهایت ۶ عامل با بالاترین میانگین در هر مؤلفه به‌عنوان عوامل اولویت‌دار انتخاب گردیدند.

جدول ۱۳: عوامل اولویت‌دار در سه مؤلفه از نظر میزان تأثیر آنها بر همگرایی اقوام ایرانی، با توجه به میانگین‌های به‌دست آمده

اولویت	عوامل	نام مؤلفه	میانگین (از ۹ نمره)
۱	استقلال و حاکمیت نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران	سیاسی و امنیتی	۷/۲۷
۲	سند چشم‌انداز بیست ساله و سیاست‌های کلان آن	اقتصادی	۶/۹۸
۳	وحدت و انسجام ملی (هویت ایرانی و اسلامی)	فرهنگی و اجتماعی	۶/۹۵
۴	الگوی مردم سالاری دینی	سیاسی و امنیتی	۶/۵۹
۵	عدم اتخاذ سیاست‌های قومی مناسب و برآورده ساختن تقاضاهای معقول و قابل انجام قومی	سیاسی و امنیتی	۶/۴۷
۶	موقعیت ژئواکونومیک ایران	اقتصادی	۶/۴۲
۷	اعتماد اجتماعی	فرهنگی و اجتماعی	۶/۳۹
۸	ولایت و امامت و مرجعیت	فرهنگی و اجتماعی	۶/۳۸
۹	اصالت تنوع قومی و فرهنگی در کشور	فرهنگی و اجتماعی	۶/۲۰
۱۰	گفتمان انقلاب اسلامی؛ دولت اسلامی و تأثیر آموزه‌های دینی در پشتیبانی از نظام	سیاسی و امنیتی	۶/۲۰
۱۱	انسجام و یکپارچگی در سیستم تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری کشور	سیاسی و امنیتی	۶/۱۴
۱۲	رضایتمندی از نظام سیاسی کشور	سیاسی و امنیتی	۵/۹۸
۱۳	ظرفیت‌های دینی و ملی غنی در تمدن ایرانی اسلامی	فرهنگی و اجتماعی	۵/۸۶



۵/۷۷	اقتصادی	توسعه‌نیافتگی زیرساخت‌های اقتصاد نوین و عدم تسهیل مشارکت بخش خصوصی در امور اقتصادی کشور	۱۴
۵/۶۵	فرهنگی و اجتماعی	ضعف در تحقق مطلوب عدالت و برابری اجتماعی	۱۵
۵/۶۴	اقتصادی	ناتوانی در تولید ملی	۱۶
۵/۵۸	اقتصادی	سلطه و تصدی‌گری دولت بر اقتصاد کشور	۱۷
۵/۵۳	اقتصادی	ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف در ایران	۱۸

نتیجه‌گیری

همگرایی ملی یکی از اساسی‌ترین مباحث حیات کشورهاست که به سبب آن بقا و دوام آن در طول زمان میسر می‌گردد. ایران از جمله کشورهای کثیرالاقوام است که وجود تنوعات قومی و فرهنگی در آن لزوم سیاست قومی و مدیریت سیاسی کارآمد، مدبرانه و عقلانی را ایجاب می‌نماید. لذا شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر در ارتقا همگرایی و انسجام ملی نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در ترسیم و طراحی الگوی مدیریتی اداره اقوام در کشور را داراست. همچنین مجموعه‌ای از عوامل در این فرآیند تأثیرگذارند و آن‌چه که امروز ما به آن نیاز داریم، چگونگی اعمال این عوامل بر اساس اصول علمی در سیاست‌های کلان قومی است. از این‌رو توجه به اولویت‌بندی‌ها، پرهیز از نگرش تک‌بعدی و روزآمدی عوامل نقش بسزایی در ارتقا همبستگی و همگرایی ملی دارد. لذا جمهوری اسلامی ایران با بهره‌گیری از این عوامل و ظرفیت‌ها در تمامی مؤلفه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی می‌تواند زمینه‌های علمی تنوعات قومی و فرهنگی در جهت تقویت و تداوم همبستگی و همگرایی ملی را فراهم نماید. در این پژوهش عوامل شناسایی شده مرتبط با سطح همگرایی اقوام ایرانی در مؤلفه‌های سه‌گانه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی - اجتماعی مؤثر می‌باشند و اولویت‌بندی‌های آنان نیز مشخص گردید.

پیشنهاد

بنابراین با توجه به نتیجه آماری و بر اساس متغیرهای مؤثر در سطح همگرایی اقوام ایرانی (قومیت‌های ترک، کرد، عرب و بلوچ) و همچنین جهت ارتقا سطح همگرایی اقوام یاد شده با دولت مرکزی بر اساس آرا خبرگان راهکارهای ذیل بسیار می‌تواند راهگشا باشند:

۱. بهره‌گیری صحیح و استفاده بهینه از ظرفیت‌های اسناد بالا دستی نظیر سند چشم‌انداز بیست ساله.
۲. بهره‌گیری از توانایی و خلاقیت‌های نخبگان قومی در اداره کشور.
۳. افزایش زمینه‌های رضایت‌مندی و آسایش، کاهش فقر و محرومیت در مناطق مرزی و قوم‌نشین.
۴. تقسیم عادلانه‌ی فرصت‌های مدیریتی، کاهش اختلاف شاخص‌های رفاه بین استان‌های مناطق قوم‌نشین نسبت به استان‌های برخوردار.
۵. لزوم توجه بیشتر به عمران و توسعه منطقه‌ای مناطق مرزی و قوم‌نشین.

۶. تقویت علائق و منافع مشترک و زدایش تصورات قالبی، نبود تعصب، پیش‌داوری و تبعیض فرهنگی.
۷. افزایش باسوادان، ارتقای سطح ارتباطات جهت کاهش فاصله اجتماعی و تقویت پیوندهای اجتماعی بین بخش‌ها و نواحی مختلف کشور.
۸. تأسیس مجلات و توسعه رسانه‌های جمعی در مناطق مرزی و قوم‌نشین.
۹. تداوم سیاست تنش‌زدایی با همسایگان و سایر کشورهای جهان، خصوصاً با همسایگانی که اقوام مناطق مرزی با آنها دارای پیوندها و اشتراکات نژادی، زبانی و فرهنگی هستند.
۱۰. گسترش تعاملات فرهنگی و تقویت روابط فرامرزی در سطح منطقه‌ای و جهانی.
۱۱. مشارکت در فرهنگ جهانی به‌عنوان یک بازیگر فعال با تکیه بر غنای فرهنگی و تمدن چند هزار ساله.
۱۲. مشارکت جدی و ایفای نقش مؤثر در تحولات منطقه‌ای و جهانی.
۱۳. بررسی و ارزیابی خردمندانه و شناخت ژرف چالش‌ها و فرصت‌های و کنترل تهدیدات و کاهش آسیب‌پذیری داخلی.
- سخن آخر این‌که با عنایت به مفروضات مذکور، بهره‌گیری از نیروهای مستعد و سیاست‌گزار، ولایت‌مدار، تکیه بر اصول و آموزه‌های دینی و هویت ایرانی-اسلامی می‌تواند تحت مدیریت کارآمد و سلسله‌مراتبی هم‌افزا و منسجم برای حوزه مسائل قومی و هم‌افزایی وحدت و همگرایی ملی در جمهوری اسلامی ایران راهبردی مطلوب باشد.
- همچنین به دلیل بهره‌گیری از نرم‌افزارهای آماری و روش‌های علمی در محاسبات آماری در تجزیه و تحلیل پژوهش فوق، به طراحان راهبردهای عملیاتی در حوزه مسائل قومی و نهادهای تصمیم‌گیری در کشور و نیز سایر پژوهشگرانی که در آینده تصمیم به تحقیق در این حوزه را دارند پیشنهاد می‌شود که از روش‌ها و نتایج به‌دست آمده این پژوهش در راستای برنامه‌ریزی و طراحی راهبردهای عملیاتی در خصوص سیاست‌گذاری‌های قومی به سبب تقویت انسجام و همگرایی در جمهوری اسلامی استفاده نمایند.

منابع

- احمدلو، حبیب (۱۳۸۱)، «رابطه هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان تبریز»، فصلنامه مطالعات ملی، سال چهارم، شماره ۱۳: ۱۰۹-۱۴۳.
- احمدی، حمید (۱۳۷۸)، قومیت و قوم‌گرایی در ایران، تهران: نشر نی.
- احمدی، حمید (۱۳۸۳)، قومیت و قوم‌گرایی در ایران، افسانه و واقعیت، تهران: نشر نی.

- احمدی، حمید (۱۳۸۸)، «اقوام ایرانی و امنیت پایدار»، مجموعه مقالات برگزیده‌ی اولین همایش ملی قومیت، همگرایی ملی و امنیت پایدار، ارومیه: فرماندهی انتظامی استان آذربایجان غربی (دفتر تحقیقات کاربردی).
- احمدی، محمدحسین و الوند، مریم (۱۳۹۱)، «نقش قوم‌گرایی در ناآرامی‌های اجتماعی»، فصلنامه پژوهش‌های انتظام اجتماعی، سال چهارم، شماره دوم: ۱۸۲-۱۵۹.
- اخوان مفرد، حمیدرضا؛ هندیانی، عبدالله و زینال‌نژاد، حسن (۱۳۸۷)، «بررسی راه‌های همگرایی قومیتی با تأکید بر اقوام ترک و کرد در شهرستان ماکو»، فصلنامه پژوهش‌های مدیریت انتظامی، ۳۹۹-۴۱۵.
- افضل‌ی، رسول و ضرغامی، برزین (۱۳۸۸)، «تحلیل بنیادهای پایدار همگرایی و متغیرهای اعتباری تهدید قومی در ایران»، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، سال دوم، شماره ۷۰: ۷۷-۹۰.
- امراه‌زاده، محمد (۱۳۸۸)، «بررسی نقش و تأثیر رسانه‌های برون‌مرزی قومی بر امنیت و ثبات سیاسی مناطق مرزی ایران»، ویژه‌نامه همایش امنیت پایدار، فرماندهی انتظامی استان آذربایجان غربی: دفتر تحقیقات کاربردی.
- بهرامیان، شفیق و بهرامیان، امید (۱۳۹۱)، «بررسی رابطه‌ی بین همگرایی اقوام (ترک و کرد) و احساس امنیت پایدار و شناخت عوامل مؤثر بر تقویت همگرایی اقوام در استان آذربایجان غربی»، فصلنامه سیاست نظری، دوره جدید، شماره ۱۱: ۱۵۹-۱۳۱.
- ترابی، یوسف (۱۳۸۹)، «درآمدی بر مدیریت سیاسی اقوام و اقلیت‌ها در جمهوری اسلامی»، طرح پژوهشی، در: مطالعات سیاسی (گروه سیاست داخلی)، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، کد مسلسل ۱۰۲۷۲: ۱-۳۴.
- ترابی، یوسف و یوسفعلی، مجیدی (۱۳۹۳)، «مدیریت شکاف‌های قومی در کردستان جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی، سال سوم، شماره ۱۱: ۲۹-۹.
- جلیلود، داود (۱۳۸۸)، «بررسی علل و زمینه‌های بروز بحران‌های قومی در استان آذربایجان غربی و تأثیر آن بر امنیت»، ویژه‌نامه همایش امنیت پایدار، فرماندهی انتظامی استان آذربایجان غربی: دفتر تحقیقات کاربردی.
- جوادی ارجمندی، محمدجعفر؛ حق‌گو، جواد و عظیم‌زاده، جعفر (۱۳۹۲)، «حوزه تمدنی ایران، جهانی شدن و آینده سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در این منطقه»، فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، سال دوم، شماره اول: ۶۰-۲۹.
- خرازی‌آذر، زهرا؛ مظفری، افسانه و بهرامیان، شفیق (۱۳۹۵)، «تأثیر استفاده از رسانه‌های جمعی و اجتماعی بر همگرایی بین قومی در ایران»، فصلنامه مطالعات فرهنگ-ارتباطات، سال هفدهم، شماره ۳۴: ۱۰۱-۶۹.
- رابرتسون، یان (۱۳۷۴)، *درآمدی بر جامعه، ترجمه حسین بهروان، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.*
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰)، *دایرة‌المعارف علوم اجتماعی، تهران: نشر کیهان.*
- سعدآبادی، علی‌اصغر؛ پورعزت، علی‌اصغر و عباسی، طیبه (۱۳۹۲)، «شناسایی مؤلفه‌های همبستگی ملی در اقوام ایرانی»، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال یازدهم، شماره ۴۲: ۱۹۸-۱۷۳.
- سلیمی، حسین (۱۳۸۴)، *نظریه‌های مختلف جهانی شدن، تهران: سمت.*
- سیدامامی، کاووس (۱۳۸۵)، «قومیت از منظر سیاست‌های هویت»، فصلنامه دانش سیاسی، شماره سوم: ۱۶۵-۱۴۳.
- شکوری، علی (۱۳۸۹)، «آموزش و جهانی‌شدن»، فصلنامه برگ فرهنگ، دوره جدید، شماره ۲۱: ۷۶-۶۳.

- صالحی امیری، سیدرضا (۱۳۸۶)، «شناخت چالش‌ها و بحران‌های قومی»، تهران: پژوهشکده مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، شماره ۸.
- غرایق زندی، داوود (۱۳۸۲)، «احزاب و قوم‌گرایی»، فصلنامه راهبرد، سال هشتم، شماره ۲۹: ۱۸۲-۱۶۷.
- فرهمند، مهناز؛ سعیدی مدنی، سیدمحسن و سهندی خلیفه کندی، مهناز (۱۳۹۴)، «مطالعه‌ی تطبیقی انسجام اجتماعی بین دو قومیت آذری و کردی (مورد مطالعه: شهرهای سنندج و تبریز)»، فصلنامه بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره ششم، شماره ۱: ۹۵-۱۲۲.
- قاسمی، محمدعلی (۱۳۸۱)، «درآمدی بر پیدایش مسائل قومی در جهان سوم»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال پنجم، شماره اول: ۱۳۴-۱۲۳.
- قیصری، نوراله (۱۳۸۶)، «تنوع فرهنگی و وحدت ملی در ایران: الزامات نظری و رهیافتی»، پژوهشکده مرکز تحقیقات استراتژیک، شماره ۸: ۸۴-۵۱.
- کوهن، آلوین استانفورد (۱۳۸۱)، *تئوری‌های انقلاب*، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر قومس.
- گر. تد، رابرت (۱۳۸۰)، *چرا انسان‌ها شورش می‌کنند*، ترجمه علی مرشدی‌زاد، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- لطیفی، غلامرضا و داوودندی، طاهره (۱۳۸۹)، «تأثیر جهانی‌شدن بر توسعه اجتماعی با تأکید بر شرایط اجتماعی ایران»، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، دوره اول، شماره ۳: ۱۷۹-۲۰۲.
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۸۸)، «بررسی عوامل داخلی مؤثر بر هویت قومی و هویت ملی در میان اعراب شهرستان اهواز»، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیستم، شماره ۳۳: ۴۵-۷۰.
- نهلوندیان، محمد (۱۳۸۶)، *ما و جهانی‌شدن*، تهران: مؤسسه ملی مطالعات جهانی‌شدن.
- یوردشاهیان، اسماعیل (۱۳۸۰)، *تبارشناسی قومی و حیات ملی*، تهران: انتشارات فرزانه‌روز.
- Aguwa, Jude C. (1997), "Religious Conflict in Nigeria: impact on Nation Building". *Dialectical Anthropology*, Vol 22: 335-351.
- Krüger, Fred W (1998). "Identity building and social transformation: the cases of Namibia and Botswana compared", *GeoJournal*, Vol 46: 79-87.
- Scott, Richard W. Gerald F. Davis (2007). *Organizations and Organizing: Rational, Natural and Open system Perspectives*, New York, Prentice Hall.
- Weber, Max (1996). *The Origin of Ethnic Group Ethnicity*, Edited by John Hachinson and Anthony D. Smith, Oxford: Oxford University Press.